

سیاست‌های مزورانه اموی برای تحریف واقعه کربلا و روشنگری‌های حضرت زینب علیها السلام

سکینه آزادی^۱

فرشته علیرضایی^۲

مسعود باوان پوری^۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۰۸

چکیده

تحریف، پرده و پوششی است که با آشکار شدن حقیقت، رخ در نقاب می‌کشد و همچون کف روی آب، نابود و مضمحل می‌شود. عاشورا یکی از بزرگ‌ترین و ماندگارترین خیزش‌هایی است که در طول تاریخ بر ضد یک حکومت ظالم صورت گرفته است. مقاله حاضر کوشیده است با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی به بررسی سیاست‌های مزورانه‌ای که امویان پس از واقعه کربلا برای تحریف آن در پیش می‌گرفتند، پرداخته و در مقابل، نقش عقیده بنی‌هاشم، حضرت زینب کبری علیها السلام را در زدودن غبار تحریف و برملا کردن دسیسه‌ها و توطئه‌های بی‌اساس حکومت بنی‌امیه در

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام.

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام.

۳. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (نویسنده مسئول)

(masoubavanpouri@yahoo.com)

وارونه جلوه دادن حقایق عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام تبیین کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد تبیین پیروزی، شکست، مرگ و زندگی از جمله مفاهیم اصلی سخنان حضرت زینب علیها السلام بود. خطبه غزاه حضرت زینب علیها السلام و اشعار ایشان تأثیر زیادی روی شناساندن حقانیت اهل بیت علیهم السلام و آشکار کردن ماهیت دغل کار یزید و دست پروردگان او و خاندان بنی‌امیه داشت.

کلیدواژه‌ها: عاشورا، تحریفات، بنی‌امیه، روشنگری، حضرت زینب علیها السلام.

مقدمه

عاشورای حسینی، از بزرگ‌ترین وقایع تاریخ بشری است که تأثیرات فراوانی بر افکار و رفتار مردم، حوادث و نهضت‌های تاریخی داشته است. این نهضت عظیم، تجسم مفاهیم ارزش‌های والایی چون جهاد در راه خدا، امر به معروف و نهی از منکر، حقانیت تشیع، مبارزه با نفس پرستی، توکل و... بود؛ اما از آن جا که بنای چنین مفاهیمی، ریشه‌های دنیاستیزی و ظلم اموی را مورد هدف قرار می‌داد، دنیاپرستان دین‌ستیز را دچار رعب و وحشت نمود؛ به گونه‌ای که آنان را بر آن داشت که با سیاست‌های مزورانه به تحریف واقعه عاشورا دست یازند و درصدد برآیند که این واقعه عظیم را کم‌رنگ و شکست خورده جلوه دهند؛ اما عاشورا یک نهضت بود که باید تا همیشه تاریخ زنده می‌ماند و برای زنده ماندن فلسفه این قیام خونین، باید از تحریف آن حادثه، ممانعت به عمل می‌آمد. این وظایف خطیر را تنها کسی می‌توانست برعهده گیرد که دارای ویژگی‌های خاص آن باشد. ویژگی‌هایی چون ایمان راسخ، قدرت ایثار فوق‌العاده، صبر و بردباری در حد کمال، علم و آگاهی همراه فصاحت و بلاغت بیان، قدرت روح و تسلط بر نفس و تیزبینی که همه آنها در شخص زینب کبری علیها السلام جمع شده بود.

در این مقاله، مشخص می‌شود که چگونه بنی‌امیه قصد داشتند واقعه عاشورا را به نفع خود و برای برحق جلوه دادن کشتار آل پیامبر صلی الله علیه و آله منحرف گردانند و به گونه‌ای دیگر جلوه دهند و در این راستا از هر فرصتی برای کم‌رنگ یا بی‌اثر شدن فرهنگ عاشورا، این



سرمایه بزرگ اسلامی - انسانی، نهایت استفاده را می کردند.

در این میان، رسالت اسیران خاندان نبوت - شاهدان مصیبت عظمی کربلا - این بود که عاشورا را از خطر تحریف مصون نگه دارند و نگذارند دست تحریفگران بردامان پاک آن برسد. در این صورت بود که اهداف عاشورا و شعارهای آن، می توانست چون چراغی روشن در راه خیل عظیم مشتاقان حق و عدالت قرار گیرد. آن چه در قیام و حرکت امام حسین علیه السلام اهمیت بسیار دارد، نقش حضرت زینب علیها السلام است که بدون آن، قیام، نتیجه نمی داد. موج وسیع تبلیغات دشمن، فرهنگ ضدارزشی مردم آن زمان، فاصله شهرها و کندی انتشار اخبار در بین آنها و حاکمیت دشمن و انزوای اهل بیت علیهم السلام، شرایط نامناسبی بود که حضرت زینب علیها السلام برای ابلاغ پیام خویش درگیر با آنهاست.

خون امام حسین علیه السلام هدفدار است و پیام دارد و ابلاغ آن بردوش زینب علیها السلام است. بنابراین در مقابل شرایط دشوار فوق، وظیفه رساندن پیام خون امام علیه السلام و اصحاب ایشان، تبیین خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام علیه السلام و معرفی چهره واقعی بنی امیه، بر عهده اوست. زینب علیها السلام باید از تحریف حادثه کربلا به وسیله دشمن جلوگیری کرده و از جوشش خون شهیدان برای ریشه کن کردن بنی امیه سود جوید. در کنار این مسئولیت ها، زینب، کاروان سالار خیل اسیران است، باید از جان امام زین العابدین علیه السلام حفاظت کند و در عین حال، زنان و کودکان را به نحوی کنترل نماید که از هرگونه عمل و حرکتی که نشانه ضعف است، اجتناب نمایند.

علل تحریفات عاشورا

در طول تاریخ، وقایعی که به ادیان و مذاهب، مرتبط و از قداست و ویژه ای برخوردار بوده، توسط مخالفان، ملحدان و منافقان برای انکار و امحای حقیقت، بیشتر دچار تحریف شده اند؛ زیرا مخالفان کوشیده اند تا وقایع دینی را آن طور که خود می خواهند در جهت تحکیم پایه های قدرت خویش توجیه نمایند. قیام خونین کربلا نیز از این قاعده مستثنی نبوده است؛ به گونه ای که حکومت فاسد اموی با مشروع جلوه دادن حاکمیت خویش توانستند مردم سست عقل عراق را علیه فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خویش بشورانند و او را غریب و

تشنه کام بر لب فرات به شهادت برسانند. آنان از نیت اصلاح گرایانه امام حسین علیه السلام به خوبی آگاه بودند و می دانستند که وی قصد دارد تا با تحریقاتی که پس از مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله در دستگاه رهبری، خلافت اسلام و میان مردم پیش آمده بود بجنگد و اسلام راستین را بار دیگر در میان جامعه رواج دهد. این امرامویان و جیره خواران اموی را به شدت نگران ساخت؛ به گونه ای که هر کدام به سهم خویش، مقدمات قیام به ظاهر شکست خورده امام حسین علیه السلام و کشته شدن وی در صحرای کربلا را فراهم آوردند و از آن پس کوشیدند این قیام را شکست خورده و خود را صاحب حق جلوه دهند.

دستگاه اموی، سعی داشت قیام امام حسین علیه السلام را به ایستادن در برابر خلیفه به ظاهر مشروع و واجب اطاعه، تنزل دهد تا حرکت آن حضرت را خروج، طغیان و بغی که حکم آن سرکوبی و مرگ است، تلقی کنند؛ این که در برخی اقوال، کاروان اسرای اهل بیت علیهم السلام را خارجی خطاب می کردند به معنای بیگانه نبود؛ بلکه مقصودشان این بود که خاندان اهل بیت در برابر حکومت حق و مشروع خروج کرده اند.

این تحریف به گونه ای بود که وقتی مسلم بن عقیل در کوفه قیام کرد، اشراف کوفه به خواست عبیدالله بن زیاد، برای متفرق کردن مردم از اطراف مسلم، جلو آمدند؛ چراکه مسلم از حکومت و خلیفه اطاعت نکرد و چنین کاری از دست دادن موقعیت و هلاکت جان، اموال و نوامیس شان را به دنبال داشت؛ لذا ایستادن همراه با مسلم در کنار امام حسین علیه السلام را مساوی با هلاکت برای آنها قلمداد کردند.

عبیدالله بن زیاد بعد از دستگیری جناب مسلم علیه السلام در مقابل جمع اشراف و بزرگان کوفه به ایشان گفت: «تو آمدی و میان مسلمانان تفرقه افکندی، جمع آنها را به هم زده و مردم را به جان هم انداختی»؛ یعنی در واقع این حرکت را برهم زدن وحدت مسلمانانی می دانست که بر خلیفه ای اجماع و بیعت کرده اند.

آنان بر تفکرات نابخردانه خویش تا جایی اصرار ورزیدند که پرده های حریم پیامبر صلی الله علیه و آله را پاره و پرده نشینان خانه اش را آواره کوه و بیابان کردند و در برابر دیدگان نامحرمان در هر کوی و برزن حرکت دادند و با این کار می خواستند از نورافشانی حقیقت واقعه عاشورا ممانعت کنند؛ اما آنان غافل بودند که حسین علیه السلام آبروی تاریخ است و قیامش هر چند به

ظاهر شکست خورده و صدایش در گلو خفه گردیده، خود گواهی بر بی‌شرمی خاندان اموی و صداقت آل رسول ﷺ است.

حضرت زینب علیها السلام، پیام‌رسانی و افشاگری

وقتی حادثه برخاست، تحریفات نیز آغاز می‌شود. در این زمان، غیر از یادآوری در زنده ماندن حق و رسوایی باطل، برای خنثی کردن نقشه‌های پیروان باطل، باید توطئه‌ها را افشا کرد و به تبیین جنایات پرداخت تا آن‌چه اتفاق افتاده است، در پس پرده کتمان باقی نماند (محدثی، ۱۳۷۹: ۱۹۰). افشاگری همیشه در روشن ساختن اذهان نسبت به واقعیات و بسیج مردم علیه باطل، کارساز بوده است در حادثه کربلا، یکی از رسالت‌های بازماندگان حادثه، افشاگری علیه دشمن بود و ضربه‌زدن به رژیم اموی، از طریق تبیین آن‌چه در کربلا گذشت؛ زیرا پس از قیام امام حسین علیه السلام کسانی که به ناروا بر مسند قدرت و ریاست تکیه داشتند، بر این بودند که هدف‌های نخستین و ارزش‌های متعالی که در شعارهای نهضت عاشورا مطرح شده بود را در اذهان مردم به دست فراموشی بسپارند؛ کوته‌فکران و جاهلان دنیاگرای اموی به خوبی می‌دانستند که اگر عاشورا به عنوان یک فرهنگ در میان جامعه نهادینه شود همچون سدی محکم و بنیادین، مسیر مطامع نامشروعان را مسدود خواهد کرد. شاید یکی از دلایلی هم که سبب شد امام حسین علیه السلام که از قبل، از افکار نازل بنی‌امیه آگاهی داشت در حرکت خویش از مدینه به مکه، سپس به کربلا، زنان و کودکان را هم به همراه آورد، آن بود که اینان در دوران اسارت به عنوان شاهدان صحنه جنایت و مظلومیت اهل بیت، دیده‌های خود را برای مردم بازگوکنند تا آن وقایع، پشت پرده ابهام نماند.

پیام‌رسانی و افشاگری از اهداف اصلی نهضت عاشورا بوده است که بر این مطلب شواهد و قرائن عدیده‌ای وجود دارد، پاسخ امام حسین علیه السلام به اطرافیان مبنی بر این که «ان الله شاء ان يراهن سبایا» دلیل بر آن است که خداوند بدین وسیله می‌خواسته نهضت عاشورا زنده بماند.

همان‌گونه که جریان خون شهیدان در عاشورا، عمیق‌ترین اثر را در افشای ماهیت

حاکمیت استبدادی و شاهانه بنی امیه بر جای نهاد، ضرورت داشت که عمق آن اثر به درستی تبیین شود؛ تبیین خون شهیدان آینه داری عاشورا و ابلاغ پیام کوفه، زمینه آماده برای ابلاغ پیام بود. مردمی عهدشکن و سست عنصر که به تعبیر امیرمؤمنان علیه السلام با هر بادی به سویی می رفتند. سخنان زینب علیها السلام هر کلمه اش مثل خون شهیدان عاشورا، برنده و تعیین کننده بود (مهاجرانی، ۱۳۷۷: ۲۹۳).

حضرت زینب و دیگر زنان با استفاده از طبع ادبی که در قوم عرب جلوه گراست، با فصاحت و بلاغت ضمن استفاده از مهم ترین عناصر تبلیغاتی، یعنی به وسیله ایراد خطبه، سرودن شعر و روایت حدیث و نیز برپایی مراسم سوگواری برای ذکر مصائب سیدالشهدا و نقل حوادث کربلا در انتقال احکام اسلامی، نقل گفتار، رفتار و فضایل معصومین و اهل بیت عصمت و طهارت و نیز پیام رسانی نهضت زنده نگه داشتن یاد اهل بیت علیهم السلام داشته اند و به این وسیله با تأثیر بر مردان و زنانی که در کربلا حضور نداشته اند، زمینه سازی های لازم برای قیام های آتی و متزلزل نمودن حکومت امویان نقش مهمی داشته اند. گفتنی است این زنان با تأسی بر امامان برحق خویش، در پاسداری و حراست از دین اسلام و جلوگیری از محوشدن آن در فضای انحرافی که حکومت بنی امیه برای دین ایجاد کرده بود، نقش خود را ایفا می نمودند (بیزدان پناه قره تپه، ۱۳۸۷: ۸۵ - ۸۶).

با روشنگری های زینب علیها السلام دیرزمانی نمی گذرد که حقیقت قیام امام حسین علیه السلام، روشن و فلسفه پیمان شکنی و نقض عهد معاویه آشکار می شود؛ چراکه او به هر جا وارد می شد طبق آیات قرآن استدلال می کرد و قبیاح اعمال آنان را بیان و پیامدهای ظلم و بیداد آنان را بازگویی کرد و از توییح و سرزنش آنان، واهمه به دل راه نمی داد و با اتکا به ایمان و اعتقاد به وعده الهی و فهم پوکی و حباب گونگی ستم، هر موقعیتی را برای روشنگری، هدایت و شستن زنگار تبلیغات دشمن مغتنم می شمرد. این اقدام، آموزش و آزمون برای ماست تا در یابیم مسئولیت و مأموریت در هیچ شرایط و موقعیتی تعطیل پذیر نیست.

سخنان حضرت زینب علیها السلام پس از شهادت سالار شهیدان و خطبه های آن حضرت در

بازار کوفه و دربارگاه ابن زیاد و درباریزید در شام، چنان قوی و تکان دهنده بود که همگان را به حیرت واداشت و مسلمانان را از خواب غفلت بیدار کرد. وی رسالت خویش را - که زنده کردن دین جدش بود - به نیکی انجام داد و سیاست‌های مزورانه حکومت اموی را در سرپوش گذاشتن برواقعه و مسخ جریان کربلا و به تبع، فراموشی آن از سوی مردم را برای خفتگان، تبیین نبود تا غبار تحریف را از واقعه کربلا بزداید و لحظه لحظه آن را چون خورشید در آسمان دین و آیین، روشن و منور سازد. در ادامه، تحریفات بنی امیه و روشنگری‌های بانوی سخنور کربلا، به ترتیب وقایع، از عاشورا تا مدینه، بررسی و تبیین می‌شود.

عاشورا، آغاز افشاگری

در روز عاشورا با شهادت حضرت اباعبدالله علیه السلام، رسالت بزرگ زینب کبری علیها السلام آغاز می‌شود. وی به خوبی می‌دانست که برنامه ریزان تبلیغاتی دشمن منتظرند تا کوچک‌ترین واکنش و سخنی را بیابند که نشانه‌ای از ضعف و یا پشیمانی خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله باشد؛ آنان برای تضعیف روحیه اسیران در همان ابتدا آنها را از مقابل بدن‌های قطعه قطعه شده شهدا عبور می‌دهند تا با دیدن عزیزان خویش همه چیز را تمام شده بیابند و صدایشان در گلو خفه شود؛ فارغ از این که این دیدار اولین جرقه را در کلام دختر قهرمان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام ایجاد می‌کند؛ بدین سبب در اولین اقدام روشنگرانه خود با نگاه به پیکر امام حسین علیه السلام می‌گوید: «خدایا! این قربانی را قبول کن» و با این سخن که از رضا و تسلیم راستین وی در برابر مشیت پروردگار نشان دارد، فصلی جدید از حادثه خونبار کربلا رقم می‌خورد.

حضرت زینب علیها السلام وقتی پریشان‌حوالی حضرت زین العابدین علیه السلام را بر بلا تکلیفی ورها ماندن اجساد شهدا می‌بیند، می‌فرماید:

پسر بردارم! آن چه می‌بینی نالان نباش. به خدا سوگند این پیمانی است از پیامبر خدا به جد و عمو و پدر تو. خداوند از مردم پیمان گرفته است، مردمی از همین امت که فرعون‌های زمین آنها را نمی‌شناسند؛ اما فرشتگان آسمان با آنها

آشنايند. آنان اين پيكرهاي پاره پاره را جمع مي كنند و در اين ديار و بر فراز مرقد حسين عليه السلام پرچمي مي افزايند كه هرگز كهنه نخواهد شد و در گذر روزها و سال ها آسيب نمي بيند. (قنبري همداني، ۱۳۸۲: ۲۳۴)

در غروب عاشورا با نگاه به ميدان جنگ و اجساد شهيدان مي گويد:

اي پيامبر! فرشتگان آسمان بر تو درود فرستند؛ اين حسين عليه السلام است كه در هامون فتاده است، در خون غلتيده است و پيكر او پاره پاره است. اي پيامبر! دختران تو اسير شده اند و باد صبا بر آنها مي وزد. (مهاجراني، ۱۳۷۷: ۲۷۸)

روشنگري هاي حضرت زينب عليها السلام در كوفه

اكنون عاشورا پايان يافته بود و وظيفه پيام آوران عاشورا، اسيران دشت كربلا، به ويژه زينب عليها السلام صيانت از آن بود. پيام شهيدان كربلا يعني جاودانگي وحی و اسلام و حفاظت از كتاب آسماني پيامبر خاتم صلوات الله عليه براي ابدت تاريخ بشري بايد حفظ مي شد. عبيدالله زياد از وضع كوفه با خبر بود و به خوبي مي دانست در آن شهر، شيعيان علي عليه السلام جاي دارند و از امام حسين عليه السلام دعوت کرده بودند؛ بنا بر اين ممكن است ورود اسيران براي حكومت وقت، مشكلي فراهم سازد؛ به اين جهت در اولين اقدام، ده هزار نفر نيروي نظامي را بسيج کرده بود تا اوضاع را زير نظر گيرند و حمل سلاح را در ميان مردم ممنوع كنند و چنين وانمود نمايند كه اسيران روم و ديلم را مي آورند و اهل بيت پيامبر صلوات الله عليه را با نام خارجي وارد شهر كنند (بابا زاده، ۱۳۸۱: ۱۱۰).

پيش از آن كه كاروان اسرا به كوفه برسد، سرهاي شهيدان را به كوفه فرستاده بودند. آنان مي خواستند صبح روز دوازدهم يك نمايش قدرت و پيروزي برپا كنند. عبور سرهاي شهيدان و كاروان اسيران در برابر چشمان مردم كوفه براي آن بود كه بدانند ديگر هيچ شعله اي از فرياد و مقاومت در برابر حكومت يزيد باقي نمانده است (مهاجراني، ۱۳۷۷: ۲۸۸).

مردم كوفه با نامه هاي فراوان، امام حسين عليه السلام را دعوت كردند كه كوفه بيايد و آنان نيز با تمام توان از وي حمايت كنند. سپس همان مردم در مقابل زينب عليها السلام قرار گرفتند. وي براي



بیان حقایق عاشورا در این مکان آزردهنده - که یادآور رنج‌های دوران حکومت پدر بزرگوارش بود - تصمیم گرفت با زبان پدرش علی علیه السلام با آنان سخن گوید و سند رسوایی حکومت یزید در حادثه در دناک کربلا را امضا کند.

حضرت زینب علیها السلام مستقیماً با مردم سخن گفت. او زبان آنها را می‌شناخت. پیش‌تر آن مردم را آزموده بود و هنوز بدعهدی کوفیان با پدر از خاطرش پاک نشده بود. بی‌پروا آنان را قاتلان حسین و خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرد. او کوچه و بازار کوفه و حالات و رفتار مردم را تکیه‌گاه تبلیغ و روشننگری قرارداد و با برشمردن ویژگی‌های مردم کوفه، آنها را وابستگان و تابعان آل زید و ابوسفیان معرفی نمود و با ذکر این جمله «شما به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آوردید و با این گناه بزرگ، دوباره آن را گشودید» به آنها گفت که وجود این خصایص و صفات ناشایست در شما به تبع بریده شدن از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است (موسوی خرم‌آبادی، ۱۳۸۶: ۹۹).

وی بی‌پروا آنان را مورد خطاب قرارداد و با منطق آتشین و پرمعنای خود فریاد برآورد:

ای مردم کوفه، ای اهل فریب و خدعه، آیا بر ما می‌گریید؟ هنوز چشم‌های ما گریان است و ناله‌های ما خاموش نگردیده است. مثل شما، مثل زنی است که رشته‌های خود را می‌بافت و سپس باز می‌کرد. شما به پیغمبر ایمان آوردید و ریسمان ایمان خود را محکم کردید؛ اما با این گناه عظیم، دوباره آن را گشودید. در شما جز چاپلوسی، شرّ، فساد، نخوت، بغض، تملق‌کنیزادگان و با دشمنان غمازی کردن نیست (ابن طاووس، ۱۳۷۲: ۱۷۶)

به این ترتیب دخت گرامی حضرت علی علیه السلام با بیان حقیقت و جود و شخصیتی مردم کوفه، آنان را رسوا و شرم‌منده کرد. تبیین و روشننگری مردم شناسانه، جامعه شناسانه و هنرمندانه رفتار مردم از ویژگی‌های درخشان این خطابه است. زدودن لایه‌های تحریف و تبلیغ دشمن علیه اسیران که خارجی هستند، در متن خطبه معلوم می‌شود (سنگری، ۱۳۸۸: ۵۴۸).

سخنان گرم و کوبنده و رسواگر حضرت زینب علیها السلام، مسیر فکری کوفیان را متحول ساخت. رخسار شرم‌منده و خجلت و ندامت آنها، حکایت‌ها داشت (موسوی خرم‌آبادی،

۱۳۸۶: ۱۰۵). وی آن چنان صحنه طراحی شده به دست مزدوران یزید و ابن زیاد را دگرگون می‌کند که گویی قیامت برپا می‌شود، به گونه‌ای که چون نادمان صحرای قیامت، انگشت حسرت به دندان می‌گزند و از کرده خویش پشیمان می‌شوند.

از سوی دیگر، مزدوران عبیدالله و دیگر دژخیمان و درندگان نینوا، نسبت به انقلاب و شورش مردم، سخت بیمناک شدند. آنان تصور کردند، تنها قدرتی که می‌تواند به سخنان زینب علیها السلام خاتمه دهد و او را آرام سازد، دیدن سر مطهر برادرش است. سر آن حضرت را مقابل محمل قرار دادند. زینب علیها السلام محمل را روشن کرد، فضای جان را معطر دید، سراز کجاوه درآورد و چنین به درد دل پرداخت:

یا هَلالاً، لَمَّا اسْتَمَمَ كَمالاً غاله خشفه فابدا غروباً
 ما توهمتُ یا شقیق فؤادی كان هذا مقدرًا مكتوباً
 یا آخی، فاطم الصغیره كلمها كاد قلبها ان یدوبا

رثا یکی از فنون بلاغت در شعر است. در رثای زینب علیها السلام، نکته بلاغتی دقیق و عمیقی نهفته است. سر برادر را به هلال و ماه نو تشبیه می‌کند؛ زیرا مردم، او را جست و جو کرده و با انگشت به هم نشان می‌دادند که بالای نیزه نمایان بود. این ماه نو، امیدبخش عهدی تازه در تاریخ اسلام است؛ زیرا پس از آن که بر اثر سیاست شوم بنی امیه، محیط اسلامی، شب ظلمانی شده بود، با شهادت امام حسین علیه السلام دوره‌ای تازه آغاز شد و تاریخ اسلام را روشن ساخت (همو: ۱۰۶).

بلاغت و شیوایی و شهامت و توانایی آن را جز با همین عبارت نتوان ادا کرد که از زبان علی علیه السلام درفشانی شده است، گله و انتقاد و موعظه و ارشاد، موشکافی اخلاق فاسد و اسباب فساد در آن به وجه بلیغی بیان شده است. این خطبه که در برابر دشمنان خونخوار از حنجره زنی اسیر و گرفتار بیرون آمده است، اگر از سرداری نیرومند و امپراتوری ارجمند نیز نقل می‌شد، مایه بسی شگفت و خیره‌کننده خطیبان زبردست بود. آن را جز با کرامت مقام شامخ ولایت زینب علیها السلام نتوان توجیه کرد (قمی، ۱۳۷۴: ۵۰۴ - ۵۰۵).

سید بن طاووس در لَهوف می‌گوید:

اهل بیت در خطابه‌ها و سخن‌رانی‌ها از حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله به رسول یا

نبی یا جد یاد می کردند و درود می فرستادند؛ اما در این جا حضرت زینب کبری چنین می گوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الْأَخْيَارِ؛ حمد مختص خداست و درود بر پدرم محمد ﷺ و خاندان برگزیده او». (ابن طاووس، ۱۳۷۲: ۱۷۶)

مقصود حضرت آن است که همه به هوش باشید! ما فرزندان پیامبریم و من دختر رسول خدایم. با این جمله، دیدگاه مردم را عوض می کند تا نپندارند که اوزنی اسیر است و این قافله، قافله اسراست.

سخنران کاروان اسیران، هوشمندانه و مدبرانه همه چیز را به پیامبر ﷺ ختم و خود را از خاندان پیامبر معرفی می کند. حسین را فرزند پیامبر ﷺ و کشتن او را کشتن پیامبر ﷺ می داند. به مردم می گفت ما خانواده پیامبریم و این شیوه، عمق جنایت بنی امیه و مظلومیت خاندان پیامبر و حادثه کربلا را بهتر معلوم می کرد. مخاطب ها - حتی عبیدالله بن زیاد - نمی توانستند پیامبر ﷺ را نادیده بگیرند و شأن او را - حتی به تلویح - خدشه دار کنند. همه محاکمه هم حول همین محور است. در سخنان و خطبه ها، پرسش از مردم و عبیدالله این است که فردا پاسخ رسول خدا ﷺ را چه خواهید داد (سنگری، ۱۳۸۸: ۵۶۴ و ۵۶۵). بدین ترتیب، برخلاف ترفندها و تبلیغات حکام اموی که باعث شده بود مردم کوفه، فریب بخورند و به خواب جهل فرو روند و خاندان نبوت را اسیرانی بیگانه قلمداد کنند و گاهی نیز آنان را مورد اهانت قرار دهند، حضرت زینب علیها السلام با سخنان پرصلابت خود پوچی تحریفات آنان را که مزورانه و حيله گرانه بود برای عموم مردم آشکار کرد.

حضرت زینب علیها السلام در مجلس ابن زیاد و افشای حقیقت

در دربار عبیدالله با حضور اشراف و مردم عادی و همچنین اسیران نینوا مجلسی برگزار می شود. پسر زیاد که سرمست جنایات و پیروزی خود بود، در صدد برآمد پیروزی خود را به رخ دختر بزرگوار علی علیها السلام بکشد و در ضمن از این مجلس و مکالمه با زینب علیها السلام یک استفاده تبلیغاتی هم به نفع حکومت خونخوار و رسوای یزید کند؛ ولی گمان نمی کرد

طرف مکالمه و سخنش، شیرزن تاریخ و بانوی بزرگی است که با منطق محکم و نیرومند خود سبب رسوایی یزید و همه ستمگران و فاسقان روزگار خواهد شد.

او برای برآورده شدن خواسته اش، مردم را به نزد خود خواند؛ سپس فرمان داد خاندان پیامبر ﷺ را حاضر کردند. زینب علیها السلام پست ترین لباس هایش را پوشیده بود و آستین لباس خود را حجاب قرار داده بود و با آن صورتش را پوشانده بود. بدون توجه به قدرت این سفلیگان، آرام قدم برمی داشت و چون فرمانروایی پیروز، در گوشه ای دور از جمعیت جای گرفت و کنیزان و زنان اطراف او را گرفتند. شیوه ورود قهرمان کربلا، چنان عبیدالله را مضطرب و ناراحت کرد که پرسید: این زن متکبر کیست؟ کسی جواب نداد. بعد از تکرار سؤال، یکی از کنیزان گفت: او زینب دختر علی است. سپس پسر زیاد با کمال بی شرمی، دهان باز کرد و گفت: حمد خدایی که رسوای تان ساخت و به کشتن داد و قصه شما را تکذیب کرد. اما زینب علیها السلام برای خنثی کردن تمام نقشه های عوام فریبانه و آشکار کردن حقیقت، بی درنگ در جواب او فرمود: سپاس خدای را که به خلاف گفته تو ما را به محمد صلی الله علیه و آله و سلم حرمت بخشید و به کمال پاکی رسانید، فاسق است که رسوا گردد و بدکار است که تکذیبش می کنند. ابن زیاد انگیزه خود را از این جنایت هولناک به زبان آورد و گفت: خدا دل مرا از سرانجام طغیانگرت و یاغیان سرکش خاندانت خنک کرد. حضرت زینب علیها السلام هم فرمود: قسم به دینم، برادرم را کشتی و کسانم را نابود کردی، شاخه ام را بریدی و ریشه ام را برآوردی. اگر این دلت را خنک می کند، خنک دل باش! (نک: طبری، ۱۳۶۹: ۳۰۶۷).

یکی از محورهایی که بالاترین سرمایه گذاری را در تلاش های مذبحخانه حکام به خود جلب نمود، تحریف عاشورا و عاشوراییان و مصادره وقایع به نفع ستمگران بود که البته سخت در این مصاف ناکام ماندند. مذاکرات زینب با عبیدالله و یزید به خوبی مؤید این است. یکی از تحریفات مهم که از طریق مختلف تبلیغ می شد، اسناد قضایا و شهادت حضرت ابی عبدالله علیه السلام به خداوند است.

تفکرات اشعری گری در تحکیم اباطیل فکری که به وسیله بنی امیه تشدید می گشت بهترین اهرم فرهنگی برای توجیه جنایات بود. آنان در واقع می خواهند با تکیه بر منطق

جابرانه خود، عاملان این جنایت هولناک را مجریان خواست و اراده خداوند بنمایانند. این جاست که صدیقه صغری علیها السلام با مدد از کتاب آسمانی به منطق جبرگرایانه آنان پاسخ می‌دهد:

مجاهدان و شهیدان در راه خدا، با خدا معامله می‌کنند و می‌جنگند و ستمگران، برخلاف اراده الهی، برای دستیابی به خواسته‌های دنیوی خود، بی‌رحمانه آنان را به شهادت می‌رسانند و در نتیجه خداوند آنان را مجازات و عقوبت خواهد کرد.

پسرزاد برای پرده‌پوشی کردن رسوایی خود با یک جمله به این گفت‌وگوی پرمخاطره که برای او بسیارگران تمام شده بود پایان داد و گفت: «این زن سجع و قافیه نیکومی گوید، پدرش هم سجع‌گوی و شاعر بود». زینب علیها السلام در پاسخش فرمود: «ای پسرزاد! زن را با سجع‌گویی چه کار؟ مرا بدان دل‌بستگی نیست و آن‌چه شنیدی سوزدلم بود که بر زبان آمد» (یزدان‌پناه قره‌تپه، ۱۳۸۷: ۹۴ - ۹۵).

خطبه شکوهمند پیامبر کربلا در موقعیتی ایراد شد که «عبیدالله قصد داشت با نمایش قدرت و القای پیروزی، همگان را مرعوب، حکومت یزید را تثبیت و خاندان و بازماندگان پیامبر را تحقیر کند؛ اما خطبه زینب باعث شد:

- حقانیت اهل بیت و پیروزی کربلا - خون بر شمشیر - روشن گردد.
- پایه‌های حکومت اموی متزلزل و ستمگران و قاتلان رسوا و تحقیر شوند.
- فرجام بدکاران و سرانجام حق خواهان و حقیقت‌گویان را آشکار سازد.
- زشتی کار و عمق جراحی را که بر جان اهل بیت و عظمت ضربه‌ای را که بر اسلام وارد آورده بودند روشن گرداند. (سنگری، ۱۳۸۸: ۵۴۹)

در مقابل ستم، باید شدید بود؛ اشداء علی الکفار، در هیچ حادثه‌ای، درخشان‌تر و شکوهمندتر از کوفه دیده نشده است؛ چه در مقابل مردم و سربازان مسلح در کوچه و بازار و چه در کاخ عبیدالله ابن زیاد. لحن تند و شکننده، فریادهای روشن‌گرانه و قاطع و نهراسیدن از هیبت و هیمنه دشمن مسلح، آموزه‌ای است که باید از مکتب کاروان اسیر و آزاداندیش عاشورا فراگرفت.

تلاش یزید برای نهادینه کردن رفتارهای باطل و افشاکاری حضرت زینب علیها السلام

تبلیغات مسموم و مستمر با ذهن و جان مردم چه می‌کند. در شام که به سبب دوری از مرکز حکومت اسلام، موضع‌گیری ضد علوی قوی و القائنات زهرآگین کارا و مؤثر بود، برخورد با اهل بیت پیامبر علیهم السلام بسیار تلخ تر و سخت تر و قساوت‌مندانه تر است. در کوفه، هرگز پایکوبی و شادی و شهرآرایی نشد چون کوفه، موقعیتی متفاوت با شام داشت؛ در شام اسیران را در حالی به طرف کاخ یزید حرکت دادند که زنان شام دف می‌زدند و هل‌هل می‌کردند.

سهل بن سعد می‌گوید: وقتی مردم را سرشار از شادی و سرور دیدم، دیدم مردم لباس نو پوشیده‌اند و زنها دف می‌زنند، گمان کردم که مردم شام شاید عیدی دارند که من نمی‌شناسم.

در چنین فضایی، فضای غفلت و فریفتگی، مردم شام از دیدن سرهای شهیدان خانواده پیامبر علیهم السلام و اسیران خاندان او شادمان بودند. اسیران و شهیدان را در خیابان‌های شام می‌گرداندند و آنان را زمانی به مجلس یزید وارد کردند که سر حسین علیه السلام در برابر یزید بود و یزید با چوبدستی خود به لب‌ها و دندان‌های حسین علیه السلام می‌زد (مهاجرانی، ۱۳۷۷: ۳۱۲).

دست‌هایشان به زنجیر به یکدیگر بسته شده بود. بساط عیش و طرب برپا و چاپلوسان دین و دنیا، متملقانه یزید را مدح می‌کردند و طاغوت آل ابوسفیان بر تخت استکبار خود جلوس کرده و به باده‌گساری ادامه می‌داد، صحنه‌ای بسیار دلخراش و جانکاه بود عصاره تمامی فضایل هستی را با دست‌های بسته و در هیأت اسیری به دربار مردی آوردند که جامعه تمام مفاسد و جنایات و خیانت‌ها بود؛ اما بهترین فرصت برای پیام عاشورا نیز فراهم شده بود (قنبری همدانی، ۱۳۸۲: ۲۸۵).

در درون زینب علیها السلام توفانی از درد و آتش برپا بود، اما زینب علیها السلام بر قلّه آزادی و عزت ایستاده بود و یزید در درّه غرور و تباهی سرنگون شده بود. او به ظاهر فرمانروا بود و در لباس‌های رنگارنگ و زینت‌های دنیایی غرقه بود و مأموران همه گوش به فرمان او. زینب علیها السلام تنها در بند بود؛ مصیبت دیده و توفان‌های درد را به جان خویش به بند کشیده! (مهاجرانی،

۱۳۷۷:۳۲۲).

هنگامی که یزید را شاد و سرمست دید، گفت:

ای پسرآزادشدگان! این آیین داد است که زنان و کنیزانت را در پرده بنشانی و دختران پیغمبر ص را از این سو بدان سو برانی؟

زینب با سخن خویش شادمانی و غرور یزید را شکست. (همو: ۳۱۶)

در خانه یزید، حضرت زینب ع تا آن جا که در توان داشت، از فرصت های مناسب برای آشکار کردن نیت سوء و دشمنی آل ابی سفیان با اسلام استفاده کرد. ستم هایی که به خود امام ع و یاران مجاهدش، حتی کودک شیرخواره اش روا داشته بودند را یکایک برای مردم شرح داد. چنان مردم را بیدار کرد که آشکارا به یزید بد می گفتند و از او بیزار می جستند و بدین ترتیب چهره منحوس و زشت بنی امیه که قصدشان زنده کردن عصر جاهلیت و انهدام اسلام بود را بر ملا کرد.

خطبه رسواگرانه، روشنگرانه، کوبنده و حماسی حضرت زینب ع، مجلس محاکمه یزید و نظام اموی بود (سنگری، ۱۳۸۸: ۶۷۲).

خطبه حضرت زینب ع باطل کننده تبلیغات گسترده و نیم قرنه بنی امیه و دشمنان اهل بیت بود. کاری که یزید کرد از ابلهانه ترین کارها و برنامه ها به شمار می رفت؛ زیرا در قلب حکومت خویش و در حضور همه سران چهره های داخلی و خارجی، فرصتی را فراهم آورد تا شجاع ترین، فصیح ترین و عالم ترین شخصیت (به تعبیر امام سجاد ع عالمه غیر معلمه و فهمه غیر مفهمه) سخن بگوید و خطبه ایراد کند که هیچ کس را توان پاسخ گویی آن نباشد (همو: ۶۷۲).

یزید پس از ایراد خطبه غزای حضرت زینب ع ناچار شد به نحوی برای افشاگری آن حضرت ع توجیهی بتراشد تا افکار حاضران را از اندیشیدن در سخنان ایشان به سوی دیگر منحرف سازد و پاسخ همه افشاگری های زینب ع را با یک بیت شعر می دهد:

شیون از زن های داغ دیده پسند است مرگ بر زن های نوحه گر آسان است

(قمی، ۱۳۷۴: ۵۷۱)

یزید با خواندن این شعر، می‌خواهد سرزنش‌ها، افشاگری‌ها و اهانت‌های حضرت زینب علیها السلام را ناشی از تأثرات قلبی وی جلوه‌دهد و بگوید سخنان ایشان، از روی حساب و کتاب نیست؛ اما زینب کار خود را کرده و رسالت سنگین و پرمخاطره خود را به انجام رسانده و آبروی یزید و خاندان بنی‌امیه را برده و پیرده از جنایاتشان برداشته بود. خطبه آتشین حضرت زینب علیها السلام حاضران بنی‌امیه را بسیار متأثر کرد. آنها تازه متوجه شدند که مرتکب چه جنایت عظیمی شده‌اند و دستشان به خون چه بزرگانی رنگین شده است. زینب علیها السلام با سخنان افشاگرانه خویش ماهیت پلید بنی‌امیه را برای مردم روشن نمود و به آنها نشان داد که حکومت بنی‌امیه نه تنها ماهیت دینی و اسلامی ندارد؛ بلکه از ماهیت انسانی نیز بی‌بهره است (یزدان پناه قره‌تپه، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

خواهر حسین علیه السلام در این جهاد مقدس کوچک‌ترین ترس و تزلزل به خود راه نداد و با نهایت دلیری، ابن زیاد سرکش و یزید پلید را مفتضح ساخت و مجالس عیش و نوش آنان را که شگردی تبلیغاتی علیه اهل بیت و اساساً برای براندازی و نابودی اسلام بود دگرگون نمود؛ به گونه‌ای که مردم شام در سایه روشنگری‌های حضرت زینب و امام سجاد علیهما السلام حقانیت امام حسین علیه السلام و مظلومیت او را دریافتند و یزید این مطالب را فهمید و برای همین دیگر نتوانست اسیران کربلا را بیش از آن در شام نگه دارد و آنان را روانه مدینه کرد.

زینب علیها السلام در مدینه

در حالی که فلق عصمت و خورشید شرم حضور زینب علیها السلام در مدینه می‌تابید و مردم جرعه‌نوش چشمه دانش او بودند، نهضت بیداری در مدینه آغاز شد؛ نهضتی که پشتوانه و ریشه‌اش خون پاک و درخشان حسین و یاران او بود و پاسدارانده و تبیین‌کننده‌اش زینب کبری علیها السلام، علی بن حسین علیهما السلام و خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله. آنان تعمداً در مقابل مردم اقدام به سخنرانی، سوگواری و مرثیه‌خوانی می‌کردند تا عواطف آنها تحریک شود و با برشمردن آن چه بر آنان و مردانشان گذشته، مردم را علیه طاغوت بشورانند. از این رو اسیران اهل بیت و در رأس آنان زینب علیها السلام با طرح و نقشه قبلی، از هر فرصتی برای تحقق این هدف مقدس استفاده می‌کردند.

سزنی در نینوا می ماند اگر زینب نبود کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود هر روز در گوشه و کنار مدینه، مجلسی برپا می شد. زینب علیها السلام برای مردم از هجرت، از مکه تا کربلا و عاشورا و شهادت حسین علیه السلام و عباس علیه السلام و مسلم علیه السلام و... سخن می گفت. شعله های بیداری افروخته شده بود و آتش نهضت مدینه می سوخت (مهاجرانی، ۱۳۷۷: ۳۴۸). متمم شهادت امام حسین علیه السلام اسارت زینب علیها السلام بود. هم یزید و یزیدیان را پایمال کرد و هم مردم فریب خورده و دستگاه تبلیغاتی بنی امیه را هشیار کرد و در درون مردم انقلابی عظیم برپا نمود. در هرگونه تحریفی را به روی امویان بست و با خویشتن داری خویش به آنان آموخت که با خواست و اراده آنان، خون خدا از جوشش باز نمی ماند و تا همیشه تاریخ ساری و جاری است.

حضرت زینب علیها السلام در مدینه، لحظه ای از توجه دادن مردم به ستم و بیداد بنی امیه فروگذار نبوده تا آن جا که بذرا انقلاب را در دل و جان مردم پاشید و قیام و نهضت مردم مدینه علیه یزید را بنا نهاد. جمعی به شام آمدند و از نزدیک مفاصد یزید را دیدند. زینب علیها السلام در مدینه فرصت بیشتری داشت که بر مصیبت حسین علیه السلام و یاران اشک بریزد. اشک زینب حقیقتی را در درون خویش دارد؛ زیرا در غیر این صورت اشک چیزی جز غلبه زخم های درون آدمی نمی تواند باشد.

گریه های زینب قهرمان علیها السلام بر واقعه عاشورا تجلی شدیدترین احساس انسانی او بود. گریه های زینب علیها السلام به یاد در خاک و خون غلتیدن برادران و بستگان و پسران و یاران با وفایش در روز عاشورا ناشی از رقت قلب آن بانوی ماندگار تاریخ بود (تقی زاده انصاری، ۱۳۸۳: ۳۳۳).

گریه های گاه و بیگاه زینب قهرمان، گریه شکرگزاری به درگاه باری تعالی است؛ گریه بر ملاکردن جور و ستم و بیدادگری امویان است. گریه زینب علیها السلام پس از ورود به مدینه، نوعی پیام بود که تحریک احساسات و عواطف مردم آن دیار را سبب شد؛ چنان که بعد از اسکان او در مدینه آمد و شد مردم آن دیار به خانه او انقلاب مردم مدینه علیه امویان را در برداشت.

گریه گاه و بی‌گاه زینب قهرمان علیها السلام پیامی به مردم عصرش و به نسل‌های آینده تاریخ بود که همه در مسیر راه زندگی خویش مسئولند. گریه او هرگز گریه عجز نبود. در قصر کوفه، با وجودی که طبق دستور ابن زیاد سرهای بریده شهدا در طبق‌هایی چند در گوشه و کنار آن قصر نهاده شده بود و سر مقدس حسین بزرگ در جلو ابن زیاد قرار داشت. زینب علیها السلام از زمانی که وارد کوفه شد تا آن‌گاه که خطبه پر محتوای خود را ایراد کرد، هرگز به خود نلرزید و قطره اشکی نیفشاند. این نشانگر عظمت روح زینب قهرمان است که در حساس‌ترین فراز تاریخ زندگی اش سستی و فتور بر خود راه نداد و در بارگاه پر زرق و برق دمشق نیز زینب با سخنان پر فصاحت و بلاغتش پایه‌های حکومت امویان را لرزاند و یزید و یزیدیان را رسوا ساخت (همو: ۳۳۴) و نقاب تقدس منافقانه را از چهره کریه دشمنان آل الله درید و حقانیت مکتب اهل بیت علیهم السلام و بطلان مکتب اموی را گواهی داد.

نتیجه‌گیری

سخنان حضرت زینب علیها السلام پس از شهادت سالار شهیدان و خطبه‌های آن حضرت در بازار کوفه و در بارگاه ابن زیاد و در بار یزید در شام، چنان قوی و تکان‌دهنده بود که همگان را به حیرت واداشت و مسلمانان را از خواب غفلت بیدار کرد. وی رسالت خویش را - که زنده کردن دین جدش بود - به نیکی انجام داد و سیاست‌های مزورانه حکومت اموی را در سرپوش گذاشتن برواقعه و مسخ جریان کربلا و به تبع، فراموشی آن از سوی مردم را برای خفتگان، تبیین نبود تا غبار تحریف را از واقعه کربلا بزداید و لحظه‌لحظه آن را چون خورشید در آسمان دین و آیین، روشن و منور سازد. مذاکرات زینب با عبیدالله و یزید به خوبی مؤید این است. یکی از تحریفات مهم که از طریق مختلف تبلیغ می‌شد، اسناد قضایا و شهادت حضرت ابی عبدالله علیه السلام به خداوند است.

با آن‌که امویان با سیاست‌های مزورانه خود در صدد ناکام جلوه دادن قیام سالار شهیدان برآمدند؛ اما روشنگری‌های حضرت زینب علیها السلام، پیروزی حق بر باطل و خون بر شمشیر را چون تابلویی زیبا برای همیشه تاریخ جاویدان ساخت. حضرت زینب علیها السلام در طی روشنگری‌های خویش موجب شد که شور مبارزه و جهاد در دل مردم، نسبت به

دنیاپرستان اموی و زراندوزان عدل ستیز دمیده شود.

تبیین پیروزی، شکست، مرگ و زندگی از جمله مفاهیم اصلی سخنان حضرت زینب علیها السلام بود. لشکریان عمر سعد گمان می کردند در جنگ پیروز می شوند؛ امام حسین علیه السلام و یاران او کشته خواهند شد و آنان می مانند؛ اما زینب علیها السلام نشان داد شکست هیچگاه در قاموس آنان راه ندارد و آن چه مهم است چشمه جوشنده حقیقت است که چه با شهادت و چه با زنده ماندن با آنان همراه است. خطبه غزای حضرت زینب علیها السلام و اشعار ایشان، تأثیر زیادی روی شناساندن حقانیت اهل بیت علیهم السلام و آشکار نمودن ماهیت دغل کاریزید و دست پروردگان او و خاندان بنی امیه داشت. حضرت زینب علیها السلام، در کوفه و شام با شهامت و پایداری وصف ناپذیر و ایراد خطبه های تکان دهنده یزیدیان را رسوا کرد و برای مردم مدینه و دیگر بلاد اسلامی با به تصویر کشیدن فداکاری و جانبازی عاشوراییان، زمینه انقلاب مکه و مدینه را جهت درهم کوبیدن یزیدیان را فراهم آورد و با حرکات ایمانی و اعتقادی خویش به مردم عصرش روح اسلام را آموخت و سند حقانیت تشیع را امضا کرد.

منابع

- اباذری، زهرا (۱۳۷۴ ش)، «نقش زینب علیها السلام در بقای نهضت کربلا»، چکیده مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۲ ش)، *اللّهوف فی قتل الطفوف*، ترجمه: فارس تبریزیان، تهران، اسوه.
- بابازاده، علی اکبر (۱۳۸۱ ش)، *سیمای زینب کبری علیها السلام*، قم، دانش و ادب.
- تقی‌زاده انصاری، بدر (۱۳۸۳ ش)، *زینب بانوی ماندگار تاریخ*، تهران، علوم روز.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۸ ش)، *آینه در کربلاست؛ پژوهش و نگارشی نو در بازشناخت نهضت عاشورا*، تهران، قدیانی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۹ ش)، *تاریخ طبری*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم.
- قمی، عباس (۱۳۷۴ ش)، *در کربلا چه گذشت (ترجمه نفس المهموم)*، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ پنجم.
- قنبری همدانی، حشمت‌الله (۱۳۸۲ ش)، *بعثت بدون وحی*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- محدثی، جواد (۱۳۷۹ ش)، *خون خدا؛ گزارشی از عاشورای سال ۶۱ هجری*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- موسوی خرم‌آبادی، سید مصطفی (۱۳۸۶ ش)، *سیره و اندیشه حضرت زینب علیها السلام*، قم، دانشگاه قم، چاپ دوم.
- مهاجرانی، سیدعطاءالله (۱۳۷۷ ش)، *پیام آور عاشورا*، تهران، اطلاعات، چاپ پنجم.
- یزدان‌پناه قره‌تپه، زهرا (۱۳۸۷ ش)، *زنان عاشورایی: نقش زنان در نهضت امام حسین علیه السلام (از عاشورا تا سقوط امویان)*، تهران، نشر هلال، چاپ چهارم.